



درباره «نومادلند»، برنده جایزه اسکار بهترین فیلم سال

آشتی بارنج به شیوه خانه بدوش‌ها

✚ **رمال روحانی**

خبرنگار

«نومادلند» یا «سرزمین خانه بدوش‌ها» که اخیراً جایزه اسکار بهترین فیلم سال را کسب و آن را ضمیمه انبوه جوایز دیگر خود کرد، در سالی درخشیده که فجاجیع برخاسته از کرونا مضمونی تلخ را به زندگی مردم و رنگی از ناامیدی را به کل جهان تحمیل کرده واین همسو با حس و حالی است که «نومادلند» هم دارد اما کلویی ژائو زن ۳۸ ساله چینی فیلمی را ساخته که در هر سال فارغ از مصیبت‌هایی از این دست هم می‌توانست خودی بنمایاند و از بهترین‌ها تلقی شود.

نومادلند از همان شهریور ۱۳۹۹ که جایزه شیر طلایی بهترین فیلم را در جشنواره معتبر ونیز ایتالیا دریافت کرد، تبدیل به یک مدعی جدی برای نمایی جوایز ارزنده هنر هفتم در سال گذشته شد. این فیلم براساس «داستان نومادلند: بقا در امریکا در قرن بیست‌ویکم» نوشته جسیکا برودر ساخته شده و قصه‌ای که توضیح داده شده و توسط کلویی ژائو به تصویر کشیده شده، زندگی واقعی مردمانی بومی و خاکی و کم بضاعت و عمدتاً پیر در گوشه‌ای از امریکا مدعی تمدن اما فاقد عدالت است که وقتی شغل خود را از دست می‌دهند، تنگدستی و فلاکت را هر چه صریح‌تر حس می‌کنند و به‌رغم تفحص بسیار در اطراف خوش راه نجاتی را نمی‌یابند و در نهایت مانند کاراکتر اول داستان برودر و زن نخست فیلم ژائو زندگی کوچک خود را کوچک‌تر

کرده و در یک ون قرار می‌دهند و با آن در سطح کشور به حرکت در می‌آیند تا مگر البته نمی‌رسند.

■ **اگر مک دورمند نبود...**

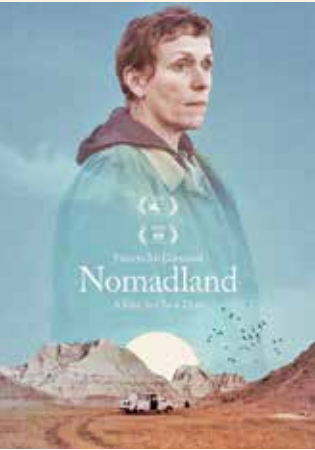
به‌رغم همه مهارت‌های فنی و بصری کلویی ژائو در ترسیم این داستان تلخ و واقع‌گرایانه امکان نداشت «نومادلند» بدون مشارکت و بازی حرفه‌ای و قوی فرانسیس مک دورمند به موفقیتی برسد که در ۹ ماه اخیر دیده‌ایم. مک دورمند که در سایه این حضور فوق‌العاده جایزه اسکار بهترین بازیگر زن سال را برای سومین بار در عمرش تصاحب کرد، در نومادلند ایفاگر نقش فرن است و فرن زنی ۶۵ ساله در شهر امپایر واقع در ایالت نوادای امریکا است که به سبب تعطیل شدن کارخانه محل اشتغالش بیکار و سرگردان می‌شود. او سال‌ها در کنار شوهرش در این محل کار می‌کرد اما شوهرش هم اخیراً جان باخته و وی را تنها گذاشته است. فرن همان طور که پیشتر آمد، پس از فروش اکثر متعلقاتش و در اختیار گرفتن یک ون از این ایالت به آن ایالت و از این نقطه به آن نقطه به حرکت در می‌آید و برای احراز هر شغلی اعلام آمادگی می‌کند اما پیش از آن که شغل‌های ماندگاری را بیابد به انجمن‌های محلی و کوچکی برخورد می‌کند که کارشان کمک‌رسانی به افراد بیکار شده و کم درآمد در سطح کشور و ویژه بومیان مناطقی مثل آریزونا و نوادا و ایالات مجاور آنها است. در یکی

ستایش عمومی رسانه‌های جهان از فیلم واقعیت‌گرای کلویی ژائو چینی

روایتی شاعرانه و انسانی از نابسامانی‌های سرمایه‌داری

حتی اگر فتح ۳ جایزه اسکار، سه جایزه گلدن گلوب و چهار جایزه بقا (اسکار سینمای بریتانیا) سندی قاطع بر غنی بودن فیلم نومادلند نبود، ستایش آشکار و عمومی سایت‌های خبری و مراجع ارزشگذاری آثار هنری ثابت می‌کند که این فیلم از شاهکارهای سال بوده و تردیدی در ارزش‌های کیفی آن وجود ندارد. سایت متاکریتیکا «نومادلند» را سومین فیلم برتر سال نامیده است و روتن توماتوز دیگر سایت پیشرو در این زمینه با رجوع به آرای ۳۹۰ منتقد معتبر در سطح امریکای شمالی و اروپا

متذکر شده که ۹۴ درصد آنها به این فیلم نمره قبولی بالا داده‌اند و افزوده است که نومادلند نگاهی شاعرانه و فرهنگی به واقعیات تلخ و حقیقی همچون سقوط بازار کار و بی‌ارزش شدن انسان‌ها در نظام از هم گسیخته امریکا است. دیوید رونی منتقد نشریه قدیمی و پر نفوذ هالیوود ریپورتر این فیلم واقعیت‌گرا را ارزیابی دقیق روایات انسانی کن در بدترین و نازل‌ترین شرایط فرهنگی و اقتصادی غرب خوانده و کلویی ژائو کارگردان مستعد



این پیشنهاد و ماندن در انجمن و مشاوره هرچه بیشتر با افرادی همچون خودش و یادگیری راه‌های مختلف بقا در این

این مسأله بی‌اعتنایی می‌کند اما رسیدن زمستان و سرد شدن منطقه و کمتر شدن فرصت‌های شغلی وی را وادار به پذیرش

مشخصات فیلم

◀ **عنوان:** «نومادلند» (سرزمین خانه‌بدوش‌ها)

◀ **کارگردان و سناریست:** کلویی ژائو، براساس رمان

«نومادلند: بقا در امریکا در قرن بیست‌ویکم» نوشته جسیکا برودر

◀ **تهیه کنندگان:** کلویی ژائو، فرانسیس مک دورمند، مولی اشرو دان یان وی

◀ **کمپانی‌های حامی و توزیع کننده:** های‌وی من و سرچ لایت

◀ **مدیر فیلمبرداری:** جاشوا جیمز ریچاردز

◀ **تدوینگر:** کلویی ژائو

◀ **موسیقی متن:** لودوویکو اینودی

◀ **مدت زمان:** ۱۰۸ دقیقه

◀ **هزینه تولید:** ۹ میلیون دلار

◀ **درآمد:** ۵۲ میلیون دلار (با احتساب آمار گیشه‌ها و فروش

و اجاره نسخه‌های ویدئویی)

◀ **بازیگران:** فرانسیس مک دورمند، دیوید استراترن،

لیندا می، شارلین سوانکی، باب ولز، پیترا اسپیرز،

درک اندرس، تای استراترن، پاتریشیا گریو و آنجلاری یس

کلویی ژائو با جوایز اسکار بهترین فیلم و بهترین کارگردانی سال ۲۰۲۱

نامیدی و در حالی که تنهاى تنها است و به تبع آن نمی‌تواند دیالوگی هم داشته باشد، با نگاه ادامه دار و گنگ خود به وضعیت پیش رو و آینده موهوم‌اش بینندگان فیلم را در دنیای فرن حفظ می‌کند و با این که می‌توانید حدس بزنید او در این شرایط به چه چیزی فکر می‌کند اما قادر نیستید به کنکاش روحی و ذهنی خود در اعماق این زن سالخورده و مفلوک پایان بدهید و او را تنها بگذارید.

کلویی ژائو از بسیاری از خانه بدوش‌های واقعی به‌عنوان کاراکترهای مختلف این فیلم بهره گرفته ولی این نابازیگرها هم سهم خود را در غنی‌تر شدن این فیلم ادا کرده‌اند. دنیا و بواقع ادامه یک حیات اقتصادی اندک و خرد هم از این خانه بدوش‌ها گرفته شده و همه اینها در روش فیلمبرداری بی‌واسطه و واقعیت گرایانه جاشوا جیمز ریچارد و واقعیت گرایانه جاشوا جیمز ریچارد که تصویر بردار نومادلند است، جلوه‌ای افزون‌تر و تلخ‌تر یافته است و نقاط اوج این جلوه‌گری را می‌توان در مرکز مراقتی و حفاظتی آمازون که فرن مدتی را در آن می‌گذراند و داکوتای جنوبی مشاهده و حس کرد. با وجود این بی‌خانمان‌های واقعی به‌تصویر کشیده در این فیلم مثل قرن که شخصیتی غیر واقعی و ضمیمه شده به جمع آنها است هنر زنده ماندن در ظملات را نیک آموخته‌اند و با این که در یک امریکای سرشار از فریب زمین می‌خورند اما زنده می‌مانند تا به امید روزهایی بمانند که شیرین‌تر است اما شاید هرگز از راه نرسد.

دراماتیک و اجتماعی و مبتنی بر زنانی بوده که باید در جوامعی فاقد عدالت و مرد سالار کلیم خود را از آب بیرون می‌کشیده‌اند و البته او پای ثابت بسیاری از کارهای برادران کونن هم بوده که سوای قربایت فامیلی در روی خصلت‌های زنانی را می‌بینند که زندگی در هجران و خلا را آموخته و فولاد آبدیده شده‌اند. مک دورمند اضافه‌بر آثاری که نام‌شان آمد، در فیلم «مردی که آن جا نبود» (۲۰۱۱)، «پس از خواندن بسوزان» (۲۰۰۸) و «درد بر سزار» (۲۰۱۶) دیگر کارهای اتان و جوتل کونن هم بازی کرده و اگر مثال‌هایی از قماش اول و فیلم‌های خوب غیر کوننی وی را خواستار باشیم، باید نام‌های «برنامه پنهانی» (محصول ۱۹۹۰)، «همسر قصاب» (۱۹۹۱)، «میانبرها» (۱۹۹۳)، «ترس اولیه» (۱۹۹۶)، «دوستانی با پول» (۲۰۰۶) و «سرزمین موعود» (۲۰۱۲) را بیاوریم و همین طور «قریب میلر» (۱۹۹۰) و «شهری در کنار دریا» (۲۰۰۲)

■ **حضورهای کلاسیک‌تئاتری**

بیان توانایی‌های مک دورمند در زمینه فرورفتن در قالب‌های عمیق دراماتیک و اجتماعی بدون اشاره به نمایش‌های موفق تئاتری وی و کوششی ناقص خواهد بود و اگر او در این مدیوم هم استاد نبوده، به یک جایزه «تونی» (اسکار تئاتر) و دهه‌جایزه دیگر نایل نمی‌شد. اولین حضور مک دورمند در برداوی مرکز پر سروصدای تئاتر امریکا به سال ۱۹۸۴ و در نمایشی به‌نام «بیدار شو و آواز بخوان» شکل گرفت و چهار سال بعد از آن، چنان در اجرا مجدد و تازه‌ای از نمایش کلاسیک «آنتووسنی به‌نام هوس» و در قالب کاراکتر صوری و غیر مصفانه می‌اندازد.



چهره‌ها و کاراکترهای مختلف فرانسیس مک دورمند ، زنی که هم در فیلم‌های مستقل درخشیده و هم فیلم‌های موسوم به «سیستم هالیوودی»

مک دورمند از چرخه فیلمسازی سرشار از سود کمپانی‌های غربی و فرایند موسوم به «سیستم هالیوودی» نبوده و او در فیلم‌هایی مثل «تبدیل شونده‌ها: بخش تاریک ماه» و «ماداگاسکار ۳» (که دومی یک کارتون پولساز است) بازیگری و صدایشگی کرده و اگر به‌دنبال مجموع فروش فیلم‌های متعدد وی باشیم، به رقمی فراتر از ۲۰۳ میلیارد دلار می‌رسیم.

■ **زن اول جوامع مردسالار**

نقاط اوج کار مک دورمند که دانش آموخته دانشگاه‌های معتبر هنری بنانی ویل است، در فیلم‌ها و تئاترهایی بوده که پیرامون سوزه‌هایی

امداد می‌کنند، ایابی ندارند. در «نومادلند» هم که سومین اسکار بازیگری را نصیب مک دورمند کرد، وی زنی مسن از طبقه متوسط و کارگری است که وقتی کارخانه محل کارش به‌سبب بی‌روقتی تعطیل می‌شود چاره‌ای بجز به حرکت درآمدن با یک ون مسافرتی در سطح ایالات مختلف امریکا ندارد، تا مگر از این طریق به رزق و روزی اندکی برسد و از پای در نیاید. زندگی واقعی مک دورمند به‌رغم دوری او از بسیاری فیلم‌های پرفروش و تمایل آشکار وی به آثار کم‌هزینه و کم فروش، سرشار از درآمد و رفاه بوده و البته این توصیف به‌معنای پرهیز کامل

مک دورمند به شایستگی و در فیلم‌هایی به‌دست آمدند که تم درام وواقع‌بینانه آنها با بازی قوی این هنرمند در نقش زنانی فاجعه سده پیروزی اسکاری‌اش در جمع بازیگران جهت وی را مجزا از سایرین و سزاوار تحسین می‌کرد. مک دورمند در «سه بیلپورد، بیرون اینگ میسوری» محصول ۲۰۱۷ زن رو به پیری ولی سرسختی است که بدون امید بستن به قوانین کج و معوج امریکا مصمم به انتقام گرفتن بابت ماجرای قتل بی‌رحمانه دخترش است و دراین راه از هیچ اقدامی و حتی نصب بیلپوردهایی هشداردهنده که روی آنها برای افشای حقیقت از مردم طلب

فرانسیس مک دورمند ۶۲ ساله که متولد

ایالت ایلینویز امریکا است و از سال ۱۹۸۲در صحنه‌های هنری فعال بوده، با فتح جایزه اسکار بهترین بازیگر زن نقش اول امسال نام خود را از چند جهت وارد دفتر تاریخ سینما و از دیگران تفکیک کرد. وی که نام واقعی و کاملش «سینتیا آن اسمیت» است و در کودکی یتیم شد و یک اسقف کلیسا پدر خوانده او شد و سال هاست که همسر جوتل کونن یکی از دو عضو تیم معروف فیلمسازی برادران کونن، (دیگری اتان کونن است) و هم‌راه و هم‌کار ثابت قدم آنها به شمار می‌آید، به‌سبب نمایش حرفه‌ای و سودنی‌اش در «نومادلند» برنده جایزه مذکور شد. او که در تهیه و تولید این فیلم هم شریک بوده، به اولین زن در تاریخ سینما تبدیل شده است که به‌طور هم‌زمان و در یک فیلم هم اسکار بازیگری را گرفته و هم اسکار تهیه‌کنندگی آن را. افزون بر این مک دورمند که شمار قابل توجهی از کارهایش فیلم‌های مستقل و کم هزینه و B+ Movie)‌های هالیوود بوده، با پیروزی اخیرش به دومین زنی بدل شده که سه جایزه اسکار بهترین بازیگر زن را تصاحب کرده و نفر قبلی (و اول) در این زمینه کاترین هپبورن فقید و افسانه‌ای است که البته طی ۷ دهه بازیگری این جایزه از رزمند را چهار مرتبه کسب کرد. مک دورمند به لطف اسکار بازیگری امسال هفتمین هنرپیشه‌ای به حساب می‌آید که سه اسکار بازیگری را کسب کرده که هر سه آنها «رقابتی» است و هیچ‌یک اسکار خدمات تمام عمر نبوده و حالت تحلیل از وی و غیر رقابتی را نداشته‌اند.